



**ORIGINAL RESEARCH PAPER**

**Time lapse in business insurance**

**J. Moezi\***

*Department of Business Management, Islamic Azad University, Neyriz branch, Fars, Iran*

---

**ARTICLE INFO**

**Article History**

Received: 20 February 2012

Revised: 30 May 2012

Accepted: 26 November 2012

**Keywords**

*Insurance; Commercial insurance; Passage of time; Compensate for damages; Insurance law; The passage of time in insurance law.*

---

**ABSTRACT**

The role of commercial insurance in covering the damages caused by various risks to human societies is undeniable. Ever since humans have faced danger, they have been constantly looking for a solution to prevent the occurrence of dangers or to find a way to compensate for the resulting damages. One of the ways to compensate for damages is to insure property and legal and professional responsibilities. For centuries, insurance has been the focus of civilized societies, and every day more than the previous day, people tend towards it with the knowledge they get about it. The use of insurance as a way to compensate for damages is subject to certain conditions, which means that any user can claim damages up to a certain time, and for this purpose, Article 36 of the Insurance Law provides for the passage of time, and after the stipulated period, insurance claims are subject to the passage of time. Will be. Since in our country, the laws must be based on Sharia rulings, in 1363, the Guardian Council does not consider the passage of time in the civil procedure law to be a right. Therefore, this debate is raised whether the passage of time in the insurance (commercial insurance) law is obsolete or whether it is still valid. This research talks about the passage of time and its types and its difference with legal deadlines. In the end, as a conclusion, we will say that the passage of time has remained in effect in the insurance law and the passage of time is divided into legal and contractual categories.

---

**\*Corresponding Author:**

Email: [jafar.moezi@yahoo.com](mailto:jafar.moezi@yahoo.com)

DOI: [10.22056/ijir.2012.02.05](https://doi.org/10.22056/ijir.2012.02.05)

---



مقاله علمی

## بررسی مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی

جعفر معزی\*

گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیریز، فارس، ایران

### چکیده:

نقش بیمه‌های بازرگانی در پوشش خسارت‌هایی که در اثر خطرهای گوناگون به جوامع بشری وارد می‌شود، غیرقابل انکار است. از زمانی که انسان با خطر روبرو شده، دائم به دنبال راه حلی بوده که از وقوع خطرها پیشگیری کند یا اینکه راهی پیدا کند که خسارت‌های ناشی از آن جبران شود. یکی از راههای جبران خسارت، بیمه کردن اموال و مسئولیت‌های حقوقی و حرفه‌ای است. قرن‌هاست که بیمه مورد توجه جوامع متمدن قرار گرفته و هر روز بیشتر از روز قبل انسان‌ها با شناختی که نسبت به آن پیدا می‌کنند، به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند.

استفاده از بیمه به عنوان راهی برای جبران خسارت، تابع شرایط خاصی است بدین معنا که هر استفاده‌کننده‌ای تا زمان معینی می‌تواند ادعای خسارت نماید و به همین منظور در ماده ۳۶ قانون بیمه بحث مرور زمان پیش‌بینی شده است و بعد از گذشت مدت پیش‌بینی شده، دعاوی بیمه‌ای مشمول مرور زمان خواهد شد. از آنجایی که در کشور ما قوانین باید براساس احکام شرعی باشد در سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی را مسقط حق نمی‌داند. لذا این بحث مطرح می‌شود که آیا مرور زمان در قانون بیمه (بیمه‌های بازرگانی) منسوخ شده یا اینکه به قوت خود پا بر جاست. در این تحقیق در مورد مرور زمان و انواع آن و تفاوت آن با مهلتهای قانونی صحبت می‌شود. در پایان به عنوان نتیجه‌گیری خواهیم گفت که مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود باقی مانده است و مرور زمان به دو دسته قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود.

### کلمات کلیدی

بیمه

بیمه‌های بازرگانی

مرور زمان

مرور زمان قانونی

مرور زمان قراردادی

\*نویسنده مسئول:

ایمیل: [jafar.moezi@yahoo.com](mailto:jafar.moezi@yahoo.com)

DOI: [10.22056/ijir.2012.02.05](https://doi.org/10.22056/ijir.2012.02.05)

## مقدمه

قبل از بیان این موضوع که آیا مرور زمان در بیمه‌های بازارگانی منسخ شده یا اینکه به قوت خود پابرجاست برای آشنایی خوانندگان، مطالبی در مورد بیمه و شرایط آن بیان خواهیم کرد. بیمه به معنای امروزی کلمه از زمان ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی رواج یافت. امتیاز تأسیس اداره بیمه حمل و نقل، از طرف پادشاه ایران به یک کمپانی روسی واگذار گردید و سال‌ها بعد شرکت‌های بیمه خارجی فعالیت خود را در ایران آغاز کردند (شیبانی، ۱۳۵۳؛ جزایری، ۱۳۴۷). اولین منبع قانونی که هنوز لازم الاجراست قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ هجری شمسی است. این قانون مشتمل بر سی‌وشهش ماده بوده و با بهره‌گیری از قانون بیمه کشورهای پیشرفت‌های در کشور ما به تصویب رسیده است.

شایان ذکر است بیمه به دو شاخه کلی تقسیم می‌شود. یک شاخه آن بیمه‌های اجتماعی است که از طریق دولت‌ها اعمال شده و به صورت اجباری در جهت حمایت از عامه مردم اجرا می‌گردد. این نوع از بیمه نسبت به برخی طبقات جامعه مانند کارگران جنبه اجباری داشته و وابسته به میل و اراده آنها نیست (کریمی، ۱۳۷۴).

شاخه دوم، بیمه‌های بازارگانی است که طبق قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در کشور ما اجرا می‌شود. البته حقوق‌دانان و پژوهشگران بیمه براساس قانون مذکور و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که توسط شورای عالی بیمه به تصویب می‌رسد بیمه‌های بازارگانی را به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌کنند (بابایی، ۱۳۸۲؛ معزی، ۱۳۸۸). این دسته از بیمه با توجه به بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت کشور، جزء اعمال تجاری ذاتی محسوب می‌شوند. لذا اشخاصی که فعالیت حرفه‌ای خود را بیمه و فعالیت‌های مربوطبه آن قرار می‌دهند، تاجر محسوب می‌شوند (اسکینی، ۱۳۸۲؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۷؛ ثابت سعیدی، ۱۳۸۶).

براساس ماده ۳۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶: «مرور زمان دعاوی مربوطبه بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال است و هر نوع اقدام ذی نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نامه یا تلگراف یا اظهارنامه، قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت جدید بعد از انقطاع یک سال است». لذا براین اساس در قانون مذکور مرور زمان پیش‌بینی شده است. اما طبق اصل چهارم قانون اساسی کشور ما که بیان می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ... باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است». برابر اصل ۴ قانون اساسی، شورای نگهبان طی نظریه شماره ۷۲۵۷/۱۳۶۱/۱۱/۱۲ مورخ ۷۳۱ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان مواد مذبور که مقرر می‌دارد پس از گذشت مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال - یکسال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد» (اسکینی، ۱۳۷۸؛ عرفانی، ۱۳۷۱). با توجه به نظر شورای نگهبان در مورد مرور زمان این بحث به وجود آمد که آیا مرور زمان در سایر قوانین از جمله قانون بیمه منسخ شده یا اینکه به اعتبار خود باقی مانده است.

براین اساس این سؤال مطرح می‌شود که آیا مرور زمان در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ به عنوان بیمه بازارگانی منسخ شده یا اینکه نظریه شورای نگهبان ارتباطی به بیمه نداشته است. در این مقاله سعی خواهیم کرد با ارائه تعریف و مبنای مرور زمان و نیز انواع مرور زمان و تفاوت آن با مهلت‌های قانونی، این موضوعات را مورد بررسی قرار دهیم. شایان ذکر است که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها بحث مرور زمان به صورت قراردادی مطرح شده است. در این مقاله به این موضوع نیز پرداخته خواهد شد.

## تعريف و مبنای مرور زمان

### - تعريف مرور زمان

مرور زمان با اقتباس از قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه در قانون آئین دادرسی مدنی ایران مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ وارد گردید (شهیدی، ۱۳۸۱). با وجود اینکه قانون مدنی کشور فرانسه از مرور زمان صحبت نموده است اما قانون مدنی کشور ما در مورد مرور زمان مطلبی ندارد. هرچند که برخی از حقوق‌دانان کشور ما در کتب حقوق مدنی از آن به عنوان یکی از راههای سقوط تعهد صحبت کرده‌اند، اما مرور زمان موجب سقوط تعهد نمی‌شود بلکه صرفاً مرور زمان می‌تواند توانایی صاحب حق را در اجراء متعهد به انجام تعهد از طریق قضایی از بین برد، لذا می‌توان به عنوان وسیله‌ای جهت سقوط تعهدات از آن یاد کرد (شهیدی، ۱۳۸۱). باید متنذکر شویم که در مورد مرور زمان نظامهای حقوقی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروه اول سپری شدن زمان را به عنوان وسیله‌ای قبول دارند که حقوق و دعاوی را منتفی

می‌سازد و گروه دوم سپری‌شدن زمان را صرفاً بعنوان ایراد در مقابل دعواه مطرح در دادگاه قبول دارند؟ (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶).

در تعریف مرور زمان باید بگوییم که در قانون مدنی کشور ما در این خصوص مطلبی وجود ندارد و صرفاً در مقررات آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مرور زمان این‌گونه تعریف شده بود: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدنی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوى شنیده نمی‌شود». لذا براساس این تعریف، بعد از سپری‌شدن مدت زمانی -که آن هم باید در قوانین پیش‌بینی شده باشد- دیگر صاحب حق (معدی)، حق اقامه دعوا را از دست خواهد داد. تعریف قانون‌گذار بیانگر این مسئله بود که مرور زمان سبب عدم استعمال دعوای در مراجع قضایی بوده است نه سبب سقوط تعهد. از آنجایی که قانون‌گذار ما بر عکس قانون‌گذار فرانسوی در قانون مدنی از مرور زمان صحبت نمی‌کند می‌توان استنباط نمود که قانون‌گذار با بیان این مسئله بوده که مرور زمان صرفاً وسیله‌ای در دست خوانده بوده که می‌توانسته با استناد به آن از دعوى خواهان جلوگیری کند. بنابراین اگر خوانده از این حق استفاده نمی‌کرد تکلیفی برای عدم استعمال دعوا توسط قاضی به وجود نمی‌آمد. براساس ماده ۷۳۵ قانون آئین دادرسی مدنی سابق چنانچه مدیون به میل و رضای خودش اقدام به پرداخت دین خود نماید دیگر نمی‌تواند به استناد مرور زمان، مطالبه وجه پرداختی را نماید. به عبارت دیگر مرور زمان اصل حق را زایل نمی‌کند، بلکه امتیاز مطالبه آن را ازبین می‌برد.

#### - مبنای مرور زمان

در اینجا باید مشخص شود که مرور زمان بر چه مبنا و اساسی قرار دارد؛ به عبارت دیگر فلسفه اینکه در مقررات کشور ما مرور زمان را پیش‌بینی کرده‌اند چه بوده است؟ برای توجیه این مسئله که مرور زمان بر چه مبنای استوار است می‌توان دو مبنای اساسی قرار داد:

- محدود کردن حق خواهان برای اقامه دعوا در مدت معین و معلوم برای این است که با گذشت زمان مدارک و شواهدی که در مورد قضیه وجود دارد تازگی خود را از دست می‌دهد و عقل سليم حکم می‌کند که بعد از گذشت زمان طولانی نمی‌توان به اظهارات شهود اعتماد کامل کرد. از طرف دیگر نظم عمومی و برقراری آرامش در اجتماع ایجاب می‌کند که هرگاه صاحب حق با گذشت زمان طولانی چنانچه به اختیار، اقدام به مطالبه حق خود نکرده بتواند پس از گذشت آن زمان دستگاه قضائی را وادار به رسیدگی کند. علاوه براین اگر بحث مرور زمان پذیرفته نشود باعث خواهد شد که اشخاص نسبت به حقوقی که در اختیار دارند همیشه در اضطراب باشند که آیا می‌توانند در جهت حفظ و بهره‌برداری از متصرفات خود از آن استفاده کنند (پاول، ۱۳۸۱).

- ادعای خسارت علیه خوانده به مدت نامحدود و نامشخص غیرعادلانه به نظر می‌رسد. بعضی معتقدند که عدم مطالبه حق توسط خواهان برای مدت زمان طولانی به معنای اماره اعراض از حق است (شهیدی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر وقتی که صاحب حق برای مدت زمان طولانی، با وجود اینکه اموال خود را در دست خوانده می‌بیند، علیه او طرح دعوا نمی‌کند نشانه این موضوع است که او از حق خود اعراض کرده و چون اعراض نوعی ایقاع است، لذا موجب سقوط تعهد می‌شود. البته در پاسخ به این موضوع باید بگوییم که اعراض باید توسط شخصی صورت گیرد که قصد و رضا داشته باشد. احراز قصد و رضا کار دشواری است، مگر اینکه سکوت صاحب حق را به منزله رضای او قرار دهیم، چیزی که با قانون مدنی کشور ما همخوانی ندارد؛ زیرا طبق قانون ما، سکوت به منزله عدم رضا است. هرچند که در موارد استثنایی در برخی موارد قانون‌گذار کشور ما، سکوت را به منزله رضا پذیرفته است و شاید بتوان گفت این مورد نیز یکی از این موارد است، در حالی که این موضوع نیز نیازمند مجوز قانونی است.<sup>۱</sup>

#### انواع مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی

براساس قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که از جمله مصوبات شورای عالی بیمه است، مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول مرور زمان قانونی است که در قانون بیمه پیش‌بینی شده و دسته دوم مرور زمان قراردادی است که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها پیش‌بینی شده‌اند که هر کدام در ادامه بررسی می‌شوند.

<sup>۱</sup>. ماده ۱۳۹ قانون تجارت و ماده ۵۰۱ قانون مدنی

## مرور زمان قانونی

منظور از مرور زمان قانونی، آن دسته از مرور گذار کشور ما در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ آن را مشخص کرده است. در ۳۶ قانون مذکور آمده است: «مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه، دو سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی خواهد بود لکن دعاوی که قبل از اجرای قانون در محاکم طرح شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود». براساس این ماده قانونی با توجه به اطلاق آن کلیه دعاوی مربوط به قرارداد بیمه، دو سال بعد از وقوع حادثه مشمول مرور زمان خواهد شد و قابلیت استماع در دادگاه را از دست خواهد داد ( محمود صالحی، ۱۳۸۱).

اما در مورد مرور زمان قانونی، چند سؤال مطرح می‌شود که آیا مرور زمان قانونی در قانون بیمه پابرجا مانده یا بعد از اینکه در سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان متعرض مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی گردید، مرور زمان در قانون بیمه نیز منسوخ شده است؟ و دوم اینکه چه اشخاصی طبق ماده ۳۶ قانون مذکور می‌توانند به مرور زمان استناد کنند و به عبارت دیگر آیا مرور زمان برای یکی از طرفین قرارداد بیمه است و سایرین حق استناد به آن را ندارند؟ در پاسخ به سؤال دوم در صفحات آینده بحث خواهد شد. اما در مورد نظر شورای نگهبان قابل ذکر است که این مرجع در نظریه شماره ۷۲۵۷/۱۳۶۱/۱۱/۲۷ مورخ ۷۳۱ به بعد قانون آئین دادرسی مدنی در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مذبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (۱۰ سال - ۲۰ سال - ۳ سال یک سال و غیره) دعوا در دادگاه شنیده نمی‌شود مخالف موازین شرع است. با توجه به نظر شورای نگهبان این بحث مطرح شد که آیا نظر مرجع مذکور صرفاً در مورد مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی است یا اینکه به سایر مرور زمان‌ها که در قوانین دیگر از جمله بیمه و قانون تجارت وجود دارد، تسری پیدا خواهد کرد. در مورد نسخ مرور زمان در قانون تجارت، حقوق دانان معتقدند که نظر شورای نگهبان ارتباطی به آن ندارد؛ زیرا عدم رعایت مهلت‌های تجاری در قانون تجارت، امتیازاتی را از دارنده سند برای طلب خود از قبیل عدم امکان تعقیب سلب می‌کند (اگر دینی مشمول مرور زمان شده باشد مسئولیت تضامنی ضامنین منتفی خواهد بود و استناد به آن سند، امکان تقاضای تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی را ایجاد نمی‌کند).

مطلوب دیگر اینکه مرور زمان در استناد تجاری برای ایجاد سرعت در امور بازگانی است، لذا چنانچه دارنده سند تجاری در زمان‌های مقرر برای احراق حق خود اقدام ننماید سند او از صورت تجاری خارج شده و از امتیازاتی که قانون گذار برای استناد تجاری پیش‌بینی کرده محروم می‌شود، اما مانع این نیست که طلبکار حقوق خود را از طریق مدنی مطالبه نکند.

لذا با جمع تفاسیر فوق می‌توان این گونه نتیجه گرفت که رأی شورای نگهبان صرفاً در مورد قانون آئین دادرسی مدنی بوده و به سایر قوانین تسری پیدا نخواهد کرد و از طرفی وجود مرور زمان قانونی تجارت صرفاً یک سری مزايا را از استناد تجاری سلب خواهد کرد که آن هم از طریق مدنی قابل مطالبه است؛ بنابراین با وحدت ملاک از مقررات قانون تجارت و مطالب ارائه شده، مرور زمان قانونی در قانون بیمه وجود دارد و تا زمانی که قانون گذار آن را نسخ نکرده باشد به قوت خود پابرجا خواهد ماند. چرا که نسخ مرور زمان در قانون بیمه نیاز به تصریح دارد که در این زمینه از سوی قانون گذار نصی وجود ندارد.

## مرور زمان قراردادی

مرور زمان قراردادی در بیمه‌های بازگانی غیر از مرور زمان قانونی است که در قانون بیمه پیش‌بینی شده است. هرچند که مشابهت بسیار نزدیکی بین آن دو وجود دارد اما یکی از آنها جنبه قانونی داشته و به حکم قانون گذار ایجاد شده و باید به حکم قانون هم از بین برود و دیگری جنبه قراردادی دارد و به توافق طرفین بر می‌گردد. مرور زمان قراردادی به این صورت خواهد بود که شرکت‌های بیمه به عنوان بیمه‌گر در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها این موضوع را پیش‌بینی می‌کنند که: «مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال است و هر نوع ذی نفع به منظور مطالبه خسارت اعم از ارسال نام یا تلگراف یا اظهارنامه، قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک سال است».

ملاحظه می‌کنید که در این شرط، مرور زمان به صورت قراردادی پیش‌بینی شده است. شورای عالی بیمه به عنوان یکی از ارکان اصلی بیمه مرکزی ج.ا. اقدام به تصویب یک سری مصوبات می‌کند که یکی از آنها شرایط عمومی بیمه‌نامه‌هاست. شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها که در اصل، ترکیبی از شرایط عمومی و شروط ضمن عقد به معنای اخص است اقدام به تعیین برخی شروط ضمن عقد می‌کند و چون این شروط جنبه قراردادی دارد لذا بین طرفین لازم‌الاتباع است (معزی، ۱۳۸۶). ایرادی که به این موضوع وارد است اینکه براساس اصل حسن نیت، که یکی از اصول حاکم بر قراردادهای بیمه است، طرفین قرارداد باید تمام اطلاعات و جزئیات در مورد قرارداد بیمه را به طرف مقابل اطلاع‌رسانی کنند

(عرفانی، ۱۳۷۱؛ آوانسیان، ۱۳۶۷). اما در این مورد بیمه‌گر اقدام به اطلاع رسانی نمی‌کند و اکثر بیمه‌گذاران از وجود این شرایط بی‌اطلاع هستند. لذا این موضوع باعث خواهد شد شرکت‌های بیمه بتوانند از این موارد در جهت سود خود استفاده کنند، این در حالی است که طبق اصل فوق‌الذکر طرفین قرارداد باید از تمام حقایق مطلع باشند.

نکته قابل توجه در مورد مرور زمان قراردادی در بیمه‌های بازرگانی این است که مبنای این نوع مرور زمان چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم قانون گذار کشور ما در ماده ۳۵ قانون بیمه به صراحة اعلام کرده است که بیمه‌گر و بیمه‌گذار می‌توانند در قراردادهای بیمه هر گونه توافقی بنمایند در این ماده آمده است که: «طرفین می‌توانند در قراردادهای بیمه هر شرط دیگری بنمایند لیکن موعد مذکور در ماده ۱۶ را نمی‌توانند تقلیل دهند ولی ممکن است موعد را به رضایت یکدیگر تمدید کنند. این قانون شامل قراردادهای گذشته بیمه نیز خواهد بود.» لذا قانون گذار این مجوز را صادر کرده که بیمه‌گذار و بیمه‌گر هرگونه شروطی در ضمن عقد بیمه مطرح کنند. البته برای اینکه بیمه‌گذار بتواند از مزایای قرارداد بیمه استفاده کند و از شرکت بیمه بخواهد که به تعهدات قراردادی خود عمل نماید مشروط به این است که طبق ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ در اولین زمان ممکن و نهایتاً ظرف مدت پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، بیمه‌گر را مطلع نماید. درغیراینصورت بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار تعهدی نخواهد داشت، مگر اینکه بیمه‌گذار ثابت کند به یک علت خارجی امکان آگاهی و اطلاع رسانی به بیمه‌گر وجود نداشته است. براساس ماده ۳۵ قانون بیمه مهلت مشخص شده در ماده ۱۵ قبل تغییر و افزایش است. امروزه در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها این مهلت افزایش پیدا کرده یا اینکه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار توافق صورت گرفته که ضمانت اجرای عدم انجام تعهد مذکور در ماده ۱۵ تغییر کند و به نوع دیگری تبدیل شود. لذا برای اینکه به مرور زمان استناد شود لازم است بیمه‌گذار طبق ماده ۱۵، ظرف مدت پنج روز از تاریخ اطلاع از وقوع حادثه عمل نموده باشد. درغیراینصورت بعد از پنج روز بیمه‌گر دیگر تعهدی نخواهد داشت. در پایان شرط مرور زمان قراردادی آمده است که هر نوع اقدام ذی‌نفع به منظور مطالبه خسارت به معنای انقطع مرور زمان خواهد بود و تصریح شده است که مدت مرور زمان جدید بعد از انقطاع یک‌سال است. این امر به این معنا نیست که مدت مرور زمان از دو سال به یک سال کاهش پیدا کند بلکه بر عکس به این معناست که مرور زمان از دو سال به سه سال افزایش پیدا می‌کند.

#### اشخاصی که می‌توانند به مرور زمان استناد کنند

در مورد مرور زمان اعم از قراردادی یا قانونی این سؤال مطرح می‌شود که مرور زمان به نفع کدام یک از طرفین است؟ به عبارت دیگر آیا مرور زمان صرفاً به نفع بیمه‌گر در نظر گرفته شده است؟ علت طرح این سؤال این است که برخی معتقدند که مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه و در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها صرفاً به نفع بیمه‌گر است (مدنی کرمانی، ۱۳۷۶). براساس نظر این گروه بیمه‌گذار حق استناد به مرور زمان را نخواهد داشت. دلایل طرفداران این موضوع این است که تصريح قانون گذار در ماده ۳۶ قانون بیمه که وقوع حادثه را منشأ دعوى قرار داده است استنباط می‌کند که بیمه‌گذار حق نخواهد داشت و مرور زمان به نفع بیمه‌گر ایجاد شده است. در پاسخ به این گروه باید بگوییم که:

- قانون گذار کشور ما به صراحة نصی را بیان نکرده‌اند که بتوان طبق آن گفت فقط دعاوی بیمه‌گذار و اشخاص ثالث مشمول مرور زمان می‌شوند و دعاوی بیمه‌گر مشمول مرور زمان نخواهد شد.
- دلیلی وجود ندارد که بتوان براساس آن بگوییم قانون گذار بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر تفاوت قائل شده است.
- تعیین زمان وقوع حادثه به عنوان ابتدای مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها صرفاً برای تعیین ابتدای مرور زمان است.

- قرارداد بیمه به صورت یک عقد عضویتی و الحاقی منعقد می‌گردد که برخی از شرایط آن به نفع بیمه‌گر (طرف قوی قرارداد) است، لذا ما در مقام تفسیر قانون و قرارداد فی‌ملبین برای حمایت از طرف ضعیف قرارداد آن را به‌گونه‌ای باید تفسیر کنیم که بیمه‌گذاران مغبون نشوند. براساس دلایلی که مطرح کردیم باید بگوییم که هر شخصی اعم از بیمه‌گر و بیمه‌گذار و اشخاص ثالث - به عنوان متضرر یا ذی‌نفع - می‌توانند به مرور زمان براساس ماده ۳۶ قانون مذکور و طبق شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها استناد کنند. هر چند که ما معتقدیم که مرور زمان در قانون بیمه به قوت خود پابرجاست و ایراد شورای نگهبان به آن سراحت نکرده است، اما اگر به فرض محال هم عده‌ای نظر شورای نگهبان را در مورد مرور زمان به قانون بیمه تسری دهنده باز باید بگوییم که مرور زمان قراردادی به قوت خود پابرجاست و طرفین می‌توانند به آن استناد کنند. مگر اینکه در قراردادی که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد شده است طرفین، مرور زمان قراردادی را تعیین نکرده باشند یا اینکه شرط را قبول نکرده باشند.

## تفاوت مرور زمان و مهلت‌های قانونی

در تعریف مرور زمان، ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق بیان می‌داشت: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون، پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود». علاوه بر مدت زمانی که تحت عنوان مرور زمان از آن یاد می‌کنند، مواعدهای دیگری در برخی از قوانین مانند قانون تجارت، قانون مدنی پیش‌بینی شده است که مشاهده نزدیکی با مرور زمان دارد، در حالی که اگر به این مواعدهای دقت کنیم متوجه خواهیم شد که این مواعدهای مرور زمان به معنای خاص نیستند لذا با توجه به موضوع مقاله، سعی می‌کنیم تفاوت این دو موضوع را مشخص کنیم. مهلت‌های قانونی آن دسته از مواعدهای هستند که در برخی قوانین مشخص شده است؛ به عنوان مثال قانون گذار در ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «در مورد موارد قبلی، دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل، برای امکان اقامه دعوی کافی است، اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماهه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود». هر چند که ظاهر ماده ۱۱۶۳ قانون مذکور این موضوع را القاء می‌کند که این مدت به معنای مرور زمان است اما در واقع این موعد، مرور زمان نیست بلکه باید آن را مهلت قانونی پنداشت؛ زیرا در صورتی که خوانده هم نسبت به انقضای این مدت ایراد ننماید برای دادگاه تکلیف ایجاد می‌شود، در صورت انقضای مدت دو ماهه قرار عدم استماع دعوا را صادر نماید (شمس، ۱۳۸۷؛ صفائی، ۱۳۸۵). لذا اگر این مدت دو ماهه، مرور زمان باشد باید خوانده ایراد بگیرد و آن هم در جلسه اول دادرسی تا دادگاه دعوای خواهان را رد نماید؛ در حالی که در این خصوص این گونه نخواهد بود. در ماده ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت آن مواعدهای که مشخص شده‌اند مهلت هستند نه مرور زمان به معنای خاص؛ زیرا در این مورد نیز در صورت انقضای موارد در ماده ۲۸۶ و ۲۸۹ براساس ماده ۲۸۹ قانون مذکور، دادگاه باید قرار رد دعوا را صادر نماید و دعوی علیه ظهرنویسان نمی‌تواند جریان پیدا کند. مشابه این موارد در قوانین ما فراوان هستند که می‌توان به موارد قانون آئین دادرسی مدنی جدید مصوب ۱۳۷۹ استناد کرد. با بیان این مطالب باید بگوییم بین مرور زمان به معنای خاص و مهلت‌های قانونی تفاوت وجود دارد.

مرور زمان به معنای خاص زمانی مانع رسیدگی می‌گردد که نخست خوانده ایراد مرتباً مرور زمان می‌گرفت لذا تا زمانی که توسط خوانده ایراد مرور زمان مطرح نشده باشد برای دادگاه تکلیف ایجاد نمی‌شود و موظف است روند دادرسی را ادامه دهد. دوم اینکه در مورد مرور زمان به معنای خاص خوانده باید تا پایان اولین جلسه دادرسی این ایراد را مطرح کند لذا چنانچه جلسه اول دادرسی سپری شود و خوانده ایراد را مطرح نکند دیگر برای خوانده این حق حفظ نمی‌شود و دادگاه در جلسات بعد بدون توجه به ایرادات خوانده، رسیدگی را ادامه می‌دهد. در حالی که در مورد مهلت‌های قانونی نیازی به اینکه خوانده ایراد بگیرد یا اینکه ایراد نگیرد، چه در جلسه نخست چه در سایر جلسات نیست، طبق مقررات قانونی، دادگاه به محض اطلاع از این موضوع موظف است قرار عدم استماع دعوا را صادر کند. لذا با جمع تفاسیر فوق بین مرور زمان و مهلت‌های قانونی تفاوت وجود دارد.

## نتایج و بحث

طبق ماده ۳۶ قانون بیمه، مرور زمان در بیمه‌های بازرگانی به قوت خود پابرجاست و نظر شورای نگهبان، مرور زمان در قانون آئین دادرسی مدنی را منسخ نکرده است. از طرف دیگر باید بگوییم که مرور زمان با توجه به قانون بیمه و شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها به دو دسته قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود. از آنجایی که با انعقاد قرارداد بیمه میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار، طرفین شرایط ضمن عقد آن را می‌پذیرند لذا مرور زمان قراردادی را قبول می‌کنند و اگر با فرض محال مرور زمان قانونی نسخ شده باشد - که به نظر ما نسخ نشده است - مرور زمان قراردادی بین طرفین به قوت خود پابرجاست.

باید میان مرور زمان و مهلت‌های قانونی که در برخی از قوانین مانند قانون مدنی (ماده ۱۱۶۲ و ۱۱۶۳) و قانون تجارت (ماده ۲۸۶ و ۲۸۷) وجود دارد، تفاوت قائل شویم؛ زیرا مرور زمان نیاز به طرح ایراد دارد آن هم از سوی خوانده دعوا و در جلسات اول دادرسی؛ اما مهلت‌های قانونی بدون ایراد خوانده نیز باعث خواهد شد که قاضی به محض اطلاع از این موضوع، دعوی خواهان را رد کند. مرور زمان در ماده ۳۶ قانون بیمه به نفع تمام طرفین اعم از بیمه‌گر و بیمه‌گذار و اشخاص ذی نفع است و دلیلی که بتوان براساس آن بگوییم مرور زمان صرفاً به نفع بیمه‌گر پیش‌بینی شده است وجود ندارد لذا تمام افراد مذکور می‌توانند به مرور زمان استناد نمایند اعم از اینکه مرور زمان قانونی موضوع قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ باشد یا مرور زمان قراردادی که در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها به عنوان شروط ضمن عقد آمده است.

## منابع و مأخذ

- آوانسیان، آ. (۱۳۶۷). اصل حسن نیت. *فصلنامه صنعت بیمه*، ۴، ص ۶۷.
- اخلاقی، ب. امام، ف. (۱۳۸۵). *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*. تهران: شهر دانش، ج ۲، ص ۳۱۳.
- اسکینی، ر. (۱۳۷۸). *حقوق تجارت: برات، سفته، فبض انبار، استناد در وجه حامل و چک*. تهران: سمت، ج ۴، ص ۱۵۱.
- اسکینی، ر. (۱۳۸۲). *حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری*. تهران: سمت، ج ۴، ص ۸۵.
- بابایی، الف. (۱۳۸۲). *حقوق بیمه*. تهران: سمت، ج ۲، ص ۲۴.
- پاول، الف. (۱۳۸۱). *بیمه‌های مسئولیت مدنی*. ترجمه علی اکبر ریسه، تهران: بیمه مرکزی ج ۱، ج ۱، ص ۱۶۴.
- ثبت سعیدی، الف. (۱۳۸۶). *حقوق بازرگانی*. تهران: دانشگاه پیام نور، ج ۴، ص ۳۷.
- جزایری، ش. (۱۳۴۷). *حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی*. دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۸۳.
- ستوده تهرانی، ح. (۱۳۷۷). *حقوق تجارت*. تهران: دادگستری، ج ۴، ج ۱، ص ۵۳.
- شمس، ع. (۱۳۸۷). *آینین دادرسی مدنی*. تهران: دراک، ج ۲، ص ۱۲۴.
- شهپریدی، م. (۱۳۸۱). *حقوق مدنی سقوط تعهدات*. تهران: مجد، ج ۵، ص ۲۲۴.
- شیبانی، الف.ع. (۱۳۵۳). *پیدایش بیمه و تحول آن*. تهران: مدرسه عالی بیمه.
- صفایی، ح. (۱۳۸۵). *حقوق مدنی اشخاص و اموال*. تهران: میران، ج ۵، ص ۱۰۶.
- عدل، م. [بی‌تا]. *حقوق مدنی*. تهران: گنج دانش، ج ۱، ص ۱۹۳.
- عرفانی، ت. (۱۳۷۱). *قرارداد بیمه در ایران و اسلام*. تهران: کیهان، ج ۱، ص ۵۱.
- عرفانی، م. (۱۳۷۳). *حقوق تجارت بین‌المللی*. تهران: ماجد، ج ۱، ج ۱، ص ۷۵.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). *مقدمه علم حقوق*. تهران: سهامی انتشار، ج ۵۷، ص ۳۰۹.
- کریمی، آ. (۱۳۷۴). *کلیات بیمه*. تهران: بیمه مرکزی ایران، ج ۱، ص ۴۲.
- محمدosalحی، ج.ع. (۱۳۸۱). *حقوق بیمه*. تهران: بیمه مرکزی ایران، ج ۱، ص ۱۶۳.
- مدنی کرمانی، ع. (۱۳۷۶). *حقوق بیمه*. تهران: جد، ج ۱، ص ۱۳۲.
- معزی، ج. (۱۳۸۶). *حقوق بیمه شخص ثالث*. شیراز: آوند اندیشه، ج ۱، ص ۲۰.
- معزی، ج. (۱۳۸۸). *حقوق بیمه*. تهران: دانش پرور، ج ۱.
- منصور، ج. (۱۳۷۸)الف. *قانون مدنی*. تهران: دیدار.
- منصور، ج. (۱۳۷۸)ب. *قانون تجارت*. تهران: دیدار.
- منصور، ج. (۱۳۸۹). *قانون بیمه*. تهران: دیدار.